



سال دوم. شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

تأثیر محتوای روایات راویان بر ارزیابی آنان در فهرست نجاشی

علی اکبر خدایان آرائی^۱

چکیده

حدیث به عنوان یکی از منابع معارف اسلامی، در سیر تاریخی خویش متحمل آسیب‌هایی شده که در اعتبار آن اثرگذار بوده است. ارزیابی روایات از جهت سند، منبع، متن و محتوا، برای مقابله با این آفت‌ها و تأمین اعتبار متون حدیثی لازم است. بررسی محتوایی روایات از زمان معصومان علیهم‌السلام با عرضه حدیث به قرآن و سنت آغاز شد. از مطالعه آثار رجالی برمی‌آید که یکی از مستندات رجال‌نویسان در توثیق و تضعیف راویان، بررسی محتوایی روایات آنان بوده است. در صورت اثبات این فرضیه، یکی از مبانی دانش رجال که حسی بودن توثیقات و تضعیفات است، دستخوش تغییر می‌گردد. این مقاله تلاش دارد با کشف عباراتی از کتاب فهرست نجاشی، که بر نقد متنی و محتوایی دلالت دارد، این دیدگاه را اثبات کند. این پژوهش توانسته نگاهی متفاوت به دانش رجال فراروی مخاطبان قرار داده و زمینه گسترش دامنه این دانش را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: نقد الحدیث، اعتبارسنجی محتوایی، جرح و تعدیل، أصالة الحس، فهرست نجاشی، دانش رجال، علوم حدیث.

۱. استادیار و عضو گروه علوم حدیث جامعة المصطفی العالمية قم، سطح چهار و مدرس سطوح عالی حوزه

The Effect of the Content of Transmitters' Narrations on Their Evaluation in Fihrist of Najjāshī

Ali akbar Khoddamiyan Arani¹

Hadith, as one of the sources of Islamic teachings, has suffered harm in its historical journey, which has affected its validity. Hadiths evaluation in terms of chain of transmitters, source, text and content is necessary to counter these harm and to validate hadith texts. The content study of the narrations began from the time of the infallibles (P.B.U.T.) with the presentation of hadith to the Qur'an and Sunnah. From studying Rijāl works, it appears that one of the evidence of Rijālist in authenticating and weakening the transmitters has been examining the content of their narrations. If this hypothesis is proved, one of the knowledge of Rijāl's principles, which is sensory authentication and invalidation, will be changed. This article tries to prove this view by discovering phrases from Fihrist of Najjāshī, which refers to textual and content criticism. This study has been able to pave the way for a new approach to the knowledge of Rijal for audiences and provides the basis for expanding the scope of this knowledge.

Keywords: hadith criticism, content evaluation, criticism & praise, positivism, Fihrist of Najjāshī, knowledge of Rijāl, hadith sciences.



1. Assistant professor and member of Hadith Department of Jamiat al-Mustafa of Qom, level 4 graduate of Islamic Seminary and senior teacher at Qom Islamic Seminary. khoddamiyan@gmail.com.

أثر محتوى روايات الرواة على تقويمها في قائمة النجاشي

علي اكبر خداميان آراني^١

لقد عانى الحديث باعتباره أحد مصادر المعرفة الإسلامية، في مساره التاريخي من أضرار أثرت على صحته. تقييم الروايات من حيث السند والمصدر والنص والمحتوى ضروري للتعامل مع هذه الآفات والتحقق من صحة نصوص الحديث. فحص مضمون الروايات من زمن المعصومين عليه السلام بدأ بعرض الحديث على القرآن والسنة. يتضح من دراسة أعمال الرجالي أن إحدى وثائق الكتاب الرجاليين في توثيق وإضعاف الرواة كانت دراسة محتوى رواياتهم. إذا تم إثبات هذه الفرضية فسيتم تغيير أحد أسس معرفة الرجال وهو حساسية التأكيدات والضعف. تحاول هذه المقالة إثبات هذا الرأي من خلال اكتشاف عبارات من كتاب قائمة النجاشي، والتي تشير إلى النقد النصي والمحتوى. كان هذا البحث قادراً على إلقاء نظرة مختلفة على معرفة الرجال أمام الجمهور وتوفير الأساس لتوسيع نطاق هذه المعرفة.

الكلمات الأساسية: نقد الحديث، التحقق من صحة المحتوى، جرح وتعديل الحديث، أصالة الحس، قائمة النجاشي، علم الرجال، علوم الحديث.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۰۳

حکیم
تألیفات
مطالعات

سال دوم. شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹



۱. أستاذ مساعد وعضو قسم علوم الحديث لجامعة المصطفى العالمية في قم، المستوى الرابع ومعلم

المستويات العليا في حوزة قم khoddamiyan@gmail.com



۱. پیش‌گفتار

حدیث، بیشترین و گسترده‌ترین نقش را در رساندن شریعت و معارف دینی دارد؛ زیرا عقل به بسیاری از امور دسترسی نداشته و قرآن نیز تفسیر و تفصیل جزئیات فراوانی را به عهده سنت گذاشته و حدیث، حکایتگر سنت است.

نخستین گام در اعتماد به حدیث، اطمینان یافتن از صدور آن است. وقتی قرن‌ها از صدور احادیث می‌گذرد و راویان، فرد به فرد و نسل به نسل این متون را نقل کرده‌اند، آگاهی از احوال راویان، یکی از راه‌های اعتبارسنجی حدیث خواهد بود. این وظیفه به عهده دانش رجال است؛ دانشی که می‌تواند ما را از اوضاع روحی، فکری و انضباط عملی راویان آگاه سازد. جرح و تعدیل به‌عنوان یکی از شاخه‌های دانش رجال، بر اساس اطلاعات موجود از راویان، قضاوت نهایی را درباره آنها ارائه می‌کند.

پرسش اصلی این است که دانشمندان رجالی، اطلاعات راویان را از کجا به دست آورده و بر اساس کدام مبانی، راویان را توثیق یا تضعیف کرده‌اند؟ آیا قدما علاوه بر روش‌های مشهور بیان‌شده از سوی متأخران^۱، روش‌های دیگری هم برای ارزیابی راویان داشته‌اند؟

ضرورت بحث از این رو است که در صورت اثبات روش‌های دیگری، راه اجتهاد در مباحث رجالی باز شده و می‌توان همچون صاحبان اصول رجالی که با توجه به روایات راویان، آنان را جرح و تعدیل می‌نمودند، امروزه نیز با توجه به متون روایی نقل‌شده توسط راویان، آنان را توثیق و تضعیف نمود. فایده این امر آن است که در صورت اثبات چنین راهی، بسیاری از روایانی که در کتب رجالی توثیق و تضعیف نداشته یا اصلاً نامشان ذکر نشده است، دارای توصیفات قابل توجهی خواهند شد، علاوه بر اینکه وثاقت و ضعف برخی راویان مذکور در کتب رجالی نیز دستخوش تغییر خواهد گشت.

با مطالعه آثار علمای رجالی و دقت در عبارات آنها، استفاده از روش نقد محتوایی منقولات راویان به‌وضوح به چشم می‌خورد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

نسبت به سابقه این پژوهش باید گفت که در این موضوع، کتابی یافت نشد، اما از چند مقاله مرتبط می‌توان نام برد؛ همانند «نقد متنی و محتوایی احادیث و نقش آن در توثیق و تضعیف راویان»^۲، «روش نجاشی در نقد رجال»^۳، «مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر»^۴، «مقایسه دیدگاه‌های رجالی ابن غضائری و

نجاشی»^۱. این مقالات، همان گونه که از عناوین آنان واضح است، به روش‌شناسی و یا به بررسی مقایسه‌ای رجال نجاشی با دیگر کتب رجالی پرداخته و به موضوع نقد محتوایی روایات راویان توسط نجاشی و بررسی موارد آن وارد نشده‌اند. از این رو نوشتار پیش رو، پژوهشی نو در این عرصه است. همچنین باید به برخی مطالب بیان‌شده در دروس خارج آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله مددی نیز اشاره کرد که به موضوع این نوشتار مرتبط بوده، ولی به صورت مستقل و مدوّن چاپ نشده است.

در این پژوهش ابتدا به شناختنامه فهرست نجاشی به صورت مختصر و پس از آن، به ضرورت نقد روایات و روش‌های آن پرداخته می‌شود. آن‌گاه جایگاه نقد متنی و محتوایی احادیث تبیین می‌گردد. پس از آن به بررسی نقد محتوایی احادیث و تأثیر آن در ارزیابی راویان در فهرست نجاشی پرداخته شده و عباراتی که بر این روش نقد دلالت می‌کند، در ساختاری نو و کاربردی مورد توجّه قرار می‌گیرد.

۲. شناختنامه مختصر کتاب فهرست نجاشی

۱-۲. مؤلف‌شناسی

نام کامل نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله نجاشی است. او در سال ۳۷۲ هجری در شهر کوفه به دنیا آمد و پس از ۷۸ سال زندگی، در سال ۴۵۰ هجری وفات یافت. پدر او نیز از محدثان و بزرگان شیعه است. جدّ او عبدالله نجاشی، والی اهواز بوده که نامه‌ای به امام صادق علیه السلام نوشته و ایشان در پاسخ، «رساله اهوازیه» را برای وی نوشته است. (حلی، ۱۳۸۱: ۷۲)

از جمله مسائل قابل توجه درباره نجاشی آن است که وی تنها از ثقات و افراد معتبر روایت نقل کرده و با اینکه روایات فراوانی از افراد ضعیف یا متهم به ضعف و طعن در اختیار داشته، آنها را نقل نکرده است.

از جمله اساتید مهم او می‌توان به پدرش علی بن احمد نجاشی، شیخ مفید، احمد بن عبدالواحد بزاز، احمد بن علی سیرافی، هارون بن موسی تلکبری، ابن غضائری حسین بن عبیدالله و فرزندش احمد بن حسین اشاره نمود. (رحمان‌ستایش، جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۴-۶۱)





۲-۲. کتاب‌شناسی

این کتاب جزء اصول اولیه رجال بوده و مرجعی مهم در تشخیص وثاقت و اعتبار راویان می‌باشد. بنا به نظر شیخ آقا بزرگ تهرانی، رجال نجاشی همانند کتاب کافی در میان کتب اربعه است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵۴/۱۰)

به اعتراف بزرگان علم رجال و حدیث و فقه، «رجال نجاشی» در میان کتب رجال، از اعتبار بالایی برخوردار است و هنگام معارضه آرای رجالی در جرح و تعدیل راویان، قول نجاشی بر دیگران ترجیح دارد. (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۵۷/۶؛ رحمان‌ستایش، جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۴۹)

نجاشی در این کتاب، ۱۲۶۹ عنوان از راویان و مؤلفان شیعه را ذکر کرده که در این میان، بعضی در چند سطر و بعضی در یک یا چند صفحه ترجمه شده‌اند و همچنین نام برخی افراد نیز تکرار شده است. (رحمان‌ستایش، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

از جمله نکات مهم کتاب آن است که راویان از جهت مذهب و اعتبار و وثاقت بررسی شده و علاوه بر آن، نام تألیفات و کتاب‌های آنها نیز ذکر شده است. هدف اصلی کتاب، شناساندن مؤلفان شیعه و کتب آنهاست. بنابراین راویانی که تألیفی نداشته‌اند، در این کتاب ذکر نشده‌اند. در رجال نجاشی، عده‌ای از غیر شیعیان که برای شیعه تألیفی داشته‌اند نیز معرفی شده‌اند. (رحمان‌ستایش، جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۳ و ۱۰۵-۱۰۶)

۳. ضرورت‌های نقد روایات

نقد در لغت، جداسازی خوب از بد، سنجش، ارزیابی و آشکار ساختن عیب‌ها و زیبایی‌هاست. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۶۷/۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۲۰/۲) بر این اساس، واژه نقد، الزاماً به معنای انتقاد منفی و عاملی در ردّ و تضعیف احادیث نیست، بلکه مراد از نقد، ارزیابی و بررسی علمی متون روایی برای اثبات صحت یا عدم صحت انتساب آن به معصوم علیه السلام، اثبات حجیت یا عدم حجیت آن و نیز بررسی چگونگی دلالت متن حدیث و کشف مراد واقعی معصوم علیه السلام از آن است. (نصیری، ۱۳۹۰: ۴۷)

با توجه به دو نکته می‌توان ضرورت نقد حدیث را اثبات کرد:

۳-۱. ورود انواع آسیب‌ها به روایات

در پی صدور و نشر احادیث پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، آسیب‌هایی دامنگیر روایات شد که برخی، عمدی و بعضی طبیعی و سهوی بود. اعتماد مسلمانان به سنت پیامبر و معصومان علیهم‌السلام، عده‌ای را وسوسه کرد که به جعل حدیث یا تحریف آن پردازند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «ای مردم! دروغ‌زنان بر من زیاد شده‌اند؛ هر کس بر من متعمدانه دروغ بدد، جایگاهش آتش خواهد بود.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۲/۱)

همچنین در پی مکتوب کردن روایات و استنساخ مکرر آن با توجه به امکانات نگارش و میزان توانایی مستسخان، به طور طبیعی تصحیفات و اشکالاتی در متن حدیث به وجود آمد. وجود روایات تقیه‌ای هم آسیب دیگری است که دامنگیر احادیث شد.^۶

۳-۲. سیره عقلا، اصحاب ائمه و عالمان پس از ایشان

عقلا در پذیرش گزارش‌های دیگران، ابتدا آن را - هر چند اجمالی - نقد و ارزیابی کرده، سپس به اندازه ارزش خبر برای آن اهمیت قائل می‌شوند. دانشمندان شیعی نیز از عصر حضور ائمه علیهم‌السلام تاکنون، به نقد روایات پرداخته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۵۹)

روایات سی روزه بودن ماه رمضان که مرحوم کلینی در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۸/۴-۷۹) و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۲) نقل کرده‌اند، از این موارد است، در حالی که بیشتر اصحاب برخلاف آن عمل نموده و به نقد آن پرداخته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۳/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۲/۱۶)

با توجه به این ضرورت‌ها، به این نکته پی برده می‌شود که سنجش و ارزیابی احادیث و شناخت آسیب‌های دامنگیر آن، امری لازم است و زمینه عمل و اعتقاد به احادیث را فراهم می‌کند.

۴. روش‌های نقد روایات

برای نقد روایات دو روش کلی وجود دارد: مسلک وثوق به سند و مسلک وثوق به صدور که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.





۴-۱. مسلک وثوق به سند

در این مسلک، صحّت و اعتبار روایت فقط بر اساس اعتبار سند و اثبات وثاقت راویان آن ثابت می‌شود (خویی، ۱۴۱۳: ۳۹/۱-۴۵) و قراین خارجی مثل شهرت عملی و روایی و غیر اینها باعث اعتبار روایت نمی‌شود. (همو، ۱۴۱۷: ۲/۲۰۰)

آنها به قرآن استدلال می‌کنند که نمی‌توان به خبر هر کسی اعتماد کرد، بلکه بر اساس آیاتی مثل آیه نبأ (حجرات: ۶)، خبر ثقه حجیت دارد و برای شناخت ثقه از غیر ثقه باید راهکار رجالی و سندی پیموده شود. استدلال دیگر این گروه، دستور ائمه علیهم‌السلام به بهره‌گیری از صفات راوی در قبول روایت یا ترجیح اخبار متعارض است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸/۱) خود ائمه علیهم‌السلام نیز به توثیق و تضعیف افراد پرداخته‌اند. (کشی، ۱۴۰۹: ۴۹۰)

بر همین اساس، می‌توان گفت عالمان و بزرگان شیعه علاوه بر راه‌های دیگر ارزیابی راویان، از این شیوه نیز استفاده نموده و به توثیق و تضعیف راویان پرداخته‌اند. (طوسی، ۱۳۷۶: ۳۶۶/۱)

۴-۲. مسلک وثوق به صدور

در این مسلک، ملاک، اطمینان به صدور خبر از معصوم علیه‌السلام است. برای اعتماد به صدور حدیث، شواهدی وجود دارد که این شواهد، گاهی سند است، گاهی علو متن، شهرت و... و گاهی مجموعه‌ای از اینها. (خویی، ۱۴۱۳: ۴۷/۱-۸۷)

یکی از قراین مهم در مسلک وثوق به صدور، اعتماد به منبع حدیث است. در این مسلک به خبری می‌توان اعتماد کرد که در کتب مشهور ذکر شده باشد و قدمای اصحاب، آن کتب را به طریق قابل اعتماد، تحمّل کرده باشند. پیش‌فرض این مبنا آن است که حدیث شیعه غالباً مکتوب بوده و اصحاب ما در طبقه اول، این کتب را از مؤلفش تحمّل می‌کرده و سپس طبقه به طبقه آن را نقل می‌نمودند. به همین جهت، دانشمندان به تألیف کتب «فهارس» پرداخته و اسامی تألیفات اصحاب و طریق به آنها را ذکر کردند. قدامت و اصرار فراوان داشته‌اند که طریق مطمئن به کتب حدیثی داشته باشند و به کتبی که از طریق «وجاده» به آنها رسیده بود، اعتماد نمی‌کردند و «فهارس» را بر همین اساس می‌نگاشتند. (خدایان آرانی، ۱۳۸۶: ۸-۱۲)

طبق این مبنا، ممکن است یک راوی دارای وثاقت مصطلح نباشد، اما اصحاب به روایات یک کتاب خاص از او اعتماد کرده باشند؛ مانند طلحه بن زید. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۰۸؛ طوسی،

۱۴۲۰: ۲۵۶) همچنین ممکن است روایات یک راوی در یک کتاب مقبول باشد، هرچند خودش مورد اعتماد کامل نباشد؛ مانند روایات نوفلی از کتاب سکونی که مورد قبول واقع می‌شود، (طوسی، ۱۳۷۶: ۳۶۶/۱) در حالی که نوفلی وثاقت صریحی نداشته و متهم به غلو شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸)

۵. نقد متنی و محتوایی و جایگاه آن در مسلک وثوق به صدور

نقد متن به معنای بررسی سلامت ظاهری کلمات و ترکیبات است و نقد محتوا، بررسی مضمون و مفهوم کلام می‌باشد و هر دو، از راهکارهای بررسی حدیث توسط طرفداران مسلک وثوق به صدور است. در این مسلک وقتی از یک سوره روایت با معیارها همخوانی داشته و اشکالی در آن نباشد، و از سوی دیگر دارای قراین صدور باشد، حکم به اعتبار آن می‌شود. ولی اگر این گونه نباشد، حدیث، ضعیف خوانده می‌شود. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۹/۱)

تعریفی که از حدیث صحیح نزد عالمان شیعه از آغاز تا دوران سید ابن طاووس (م ۶۶۴) یا علامه حلی (م ۷۲۶) که آغاز دوره متأخران برشمرده می‌شود، وجود داشته، سراسر ناظر بر متن و محتوای روایات بوده است. (بهایی، بی تا: ۲۶۹)

در این بخش معیارهای نقد متنی و محتوایی احادیث بیان شده و سپس عباراتی که بر آن در فهرست نجاشی دلالت می‌کند، بررسی می‌گردد.

۱-۵. معیارهای نقد متنی و محتوایی

۱-۱-۵. قرآن

عرضه احادیث بر قرآن، معتبرترین معیاری است که می‌توان برای بازشناخت روایات ضعیف و مجعول مورد استفاده قرار داد. قرآن از هر گونه وضع، تدلیس و تحریف در امان بوده و تناقضی در آن راه ندارد. کلام پیامبر ﷺ نیز از وحی سرچشمه گرفته^۷ و کلام ائمه علیهم‌السلام متصل به کلام پیامبر ﷺ است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳/۱) خود معصومان علیهم‌السلام، قرآن را معیار سنجش سخنان منسوب به خود دانسته‌اند. (همان، ۶۹/۱)

نمونه‌های متعددی برای نقد روایات با معیار قرآن وجود دارد. از جمله، نقد روایات نکوهش و اتهام دروغویی به حضرت ابراهیم علیه‌السلام که در صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲۱/۶) و صحیح مسلم (مسلم، بی تا: ۹۸/۷) نقل شده و با آیه «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيقًا





نَبِیًّا» (مریم: ۴۱) منافات دارد. همچنین روایات سحر شدن پیامبر ﷺ که در مجامع روایی اهل سنت وارد شده (ابن حنبل، بی‌تا: ۵۰/۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۶۸/۴ و ۲۹/۷) که مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان بعد از نقل، آن را نقد و رد می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۶۵)

۵-۱-۲. سنت

راه رسیدن به سنت، حدیث است. مراد از معیار بودن سنت آن است که احادیث قطعی الصدور، معیار برای سنجش روایات دیگر باشد. (مامقانی، ۱۳۸۵: ۵۹/۱)

معیار بودن سنت با آیات قرآن قابل اثبات است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.» (نساء: ۵۹) و در جایی دیگر فرموده: «در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد.» (نساء: ۸۳)

بر اساس این آیات، آنچه از ناحیه پیامبر و امامان علیهم‌السلام که مصداق اولی الامر هستند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۶۰) صادر شود، حجیت دارد و معیار سنجش سایر امور نیز هست. خود ائمه علیهم‌السلام نیز احادیث قطعی الصدور را معیاری برای سنجش جملات منسوب به خودشان دانسته‌اند. امام صادق علیهم‌السلام می‌فرماید: «حدیث ما را قبول نکنید، مگر اینکه موافق با قرآن و سنت باشد و یا شاهی از احادیث دیگر ما بر آن پیدا کنید.» (کشی، ۱۴۰۹: ۲۲۴)

ممنوعیت گریه بر میت که در کتب روایی عامه نقل شده، (ابن حنبل، بی‌تا: ۳۵۶/۴؛ ابن ماجه، بی‌تا: ۵۰۷/۱) از مواردی است که با معیار سنت نقد می‌شود. (سبحانی، ۱۴۱۹: ۵۵۱ و ۶۱۴)

۵-۱-۳. ضروریات دین و مذهب

انتساب برخی از آموزه‌های دینی به دین یا مذهب، قطعی است و نمایانگر واقعیت دین یا مذهب هستند؛ مانند توحید، نبوت، معاد، نماز و روزه که از ضروریات دین بوده و همچنین امامت، تقیه و رجعت که از ضروریات مذهب تشیع است. (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱/۲۴ و ۲۲۴ و ۶۳۲؛ بحرانی، ۱۴۱۹: ۷۳) این ضروریات از پشتوانه‌های عقلی، قرآنی و حدیثی برخوردار بوده و می‌توانند معیار

سنجش سایر گزاره‌های منتسب به دین باشند؛ مانند روایات ناظر به نکوهش ملّیت‌ها و بعضی نژادها که با آیات قرآن و روایات دیگر قابل نقد است. (نصیری، ۱۳۹۰: ۴۴۶-۴۶۴)

۵-۱-۴. عقل

قرآن از جایگاه عقل با واژه‌هایی همچون تعقل، تفکر، تدبّر و لبّ ستایش کرده و از مردم خواسته است که تفکر و تعقل کنند (بقره: ۷۳ و ۱۶۴ و ۲۱۹ و ۲۴۲ و ۲۶۶؛ آل عمران: ۷؛ انعام: ۱۵۱؛ رعد: ۴ و ۱۹؛ نحل: ۱۲ و ۶۷؛ عنکبوت: ۳۵؛ ابراهیم: ۵۲؛ زمر: ۹ و ۱۸، و...). در روایات نیز از عقل به عنوان حجت باطنی یاد شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶/۱) و بر جایگاه رفیع آن در شناخت حق و باطل تأکید شده است. (همان، ۱۳/۱) بنابراین از احکام قطعی عقل می‌توان برای سنجش گزاره‌های منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام بهره گرفت.

واضح است که مراد از عقل، عقل سلیم، فطری و خدادادی است که در وجود نوع افراد بشر قرار داده شده است. بنابراین نمی‌توان با استناد به جزئیات مباحث فلسفی و به دست آوردن نتایج و آثاری خاص، به نقد احادیث پرداخت. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۳۵)

روایات تجسیم خداوند (بخاری، ۱۴۰۱: ۷۲/۶)، مکان داشتن خداوند (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۱۴/۵؛ ابن ماجه، بی تا: ۶۵/۱)، کور کردن چشم عزرائیل توسط حضرت موسی علیه‌السلام (ابن حنبل، بی تا: ۲۶۹/۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۹۲/۲؛ مسلم، بی تا: ۱۰۰/۷) و... از مواردی است که با معیار عقل، نقد می‌شوند.

۵-۱-۵. قطعیات حاصل از حسّ، تجربه و تاریخ

فلسفه اعتبار این معیار آن است که تناقض و اختلاف تبانی میان آموزه‌های قطعی دین با حواسّ و تجربیات قطعی محال است؛ زیرا دین و علم قطعی، هر دو حجت خدا بوده و تناقض میان دو حجت امکان ندارد. مسلمات تاریخی نیز از همین دست است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۷۵-۶۷۶) از این رو نمی‌توان به گزارشی که با چنین قطعیات و مسلماتی، اختلاف و تعارض مستقر دارد، به دیده حدیث صادر شده از معصومان علیهم‌السلام نگریست. به عنوان نمونه می‌توان به روایت بیعت امام سجاد علیه‌السلام با یزید (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۸) اشاره کرد که علامه مجلسی آن را به خاطر عدم تطابق با متون تاریخی ردّ نموده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۸/۴۶)





۵-۱-۶. دوری از اضطراب، غرابت و رکاکت

اضطراب یعنی دوگانگی و اختلال در حدیث، چه در سند و چه در متن؛ یعنی حدیث یکبار به گونه‌ای و بار دیگر به گونه دیگری نقل شده باشد. (اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱؛ صدر، بی‌تا: ۴۳۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۴۷-۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۱۲؛ میرداماد، ۱۳۸۰: ۲۷۴) مراد از غرائب، مطالب عجیب و غیرمأنوس به ذهن است؛ به این معنا که حدیث، مشتمل بر مضامین غامض و شناخته نشده و دور از فهم باشد. کاربرد دیگر آن در روایات شاذ و نادر است. (جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹۶)

رکاکت نیز عبارت است از «هرگونه ضعف، کاستی و نارسایی در لفظ یا معنای حدیث؛ در سطحی که آن را از همسانی با گفتار معصومان علیهم‌السلام خارج سازد.» (نصیری، ۱۳۹۰: ۶۷۶) آیت الله خویی، روایات جمع قرآن را با معیار اضطراب، نقد کرده و قائل است که این روایات از درون دچار تناقض هستند و این تناقض و اضطراب، موجب سلب اعتماد از آنها شده است. (خویی، ۱۳۹۵: ۲۴۷)

معیار رکاکت، به دو قسم رکاکت لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. (نصیری، ۱۳۹۰: ۶۷۶) مثال برای معیار رکاکت، روایتی است که فضیلت عایشه بر زنان دیگر را همچون برتری آبگوشت بر سایر غذاها می‌داند (ابن حنبل، بی‌تا: ۱۵۹/۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۲۲۰/۴) که صدور چنین روایتی از پیامبری که در نهایت فصاحت و بلاغت است، بعید است. (سبحانی، ۱۴۱۹: ۶۶۰) این معیارها مورد اتفاق محدثان در نقد متنی و محتوایی حدیث می‌باشد. موارد دیگری نیز ذکر شده که درباره هریک، اختلافاتی ابراز شده است. شهرت، اجماع، علو متن، تراکم ظنون و عدم مخالفت با قواعد عمومی از آن جمله است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۱-۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۸۳-۸۷؛ عاملی، ۱۳۸۵: ۲۸۴/۱-۲۹۴)

۵-۲. نقد متنی و محتوایی در فهرست نجاشی

در فهرست نجاشی برای توثیق و تضعیف راویان، از کلمات و عباراتی استفاده می‌شود که برخی از آنها اشاره به صفات راوی دارد و نجاشی با دیدن راوی و یا با دریافت اطلاعات از کسانی که راوی را دیده‌اند،^۸ به توصیف وی پرداخته است. اما برخی از تعابیر، تصریح در نقد متنی و

محتوایی دارد. به این معنا که نجاشی، روایات راوی را بررسی کرده و دیدگاه خودش را با توجه به متن و محتوای احادیث وی ابراز می‌دارد.

در این قسمت، عباراتی که دلالت بر نقد متنی و محتوایی روایات راوی دارد، از فهرست نجاشی ارائه می‌شود.

آمار تعداد تکرار	عبارت	ردیف
۱۸	صحيح الحديث، صحيح الرواية	۱
۳	واضح الحديث، واضح الرواية	۲
۱	صحيح الحكايات	۳
۱	جيد الحديث	۴
۲	نقى الحديث	۵
۱	سليم الجنبه	۶
۴	مسكون إلى روايته، مسكون إليه	۷
۱	حديثه قريب من السلامة	۸
۱	ما رأينا رواية تدلّ على هذا	۹
۱	فاسد الحديث	۱۰
۱	حديثه ليس بذلك النقى	۱۱
۱	حديثه يعرف و ينكر	۱۲
۶	مضطرب، مضطرب الحديث، مضطرب الألفاظ، مضطرب الرواية	۱۳
۱	قليل التخليط، مختلط الأمر في حديثه، مختلط	۱۴
۱	ضعيف الحديث	۱۵
۱	يتساهل في الحديث	۱۶
۱	لا يكتب حديثه	۱۷
۱	قلّ ما روى الحديث إلا شاذاً	۱۸
۱	لا يؤنس بحديثه	۱۹
۱	ما رأينا رواية تدلّ على هذا	۲۰
۱	معفو الرواية	۲۱
۱	قلّ ما رأيت له حديثاً سديداً	۲۲
۶	كثير الفوائد، كثير الفوائد و المنافع، له كتاب حسن كثير الفوائد	۲۳





۲۴	له كتاب التّجمل و المروة حسن صحيح الحديث	۱
۲۵	صنّف كتباً كثيرة أكثرها على الفساد	۱
۲۶	له كتاب إنا أنزلناه في ليلة القدر و هو كتاب ردى الحديث مضطرب الألفاظ	۱
۲۷	إن هذا الكتاب كتاب ملعون فى تخليط عظيم	۱
۲۸	كل كتبه تخليط	۱
۲۹	أخبرنا...إلا ما كان من غلو و تخليط	۱
۳۰	أخبرنا برواياته كلها إلا بما كان فيه من غلو أو تخليط	۱
۳۱	كتبه صحاح إلا كتاباً ينسب إليه ترجمته تفسير الباطن فإنه مخلط	۱

این نمونه‌ها با مطالعه دقیق و بررسی تک تک عبارات این کتاب به دست آمده و فواید متعددی بر آن مترتب است، از جمله اینکه می‌توان این تعابیر را که در واقع عبارات اصلی برای نقد متنی و محتوایی در کتب رجالی هستند، در پژوهش‌های بنیادی مورد استفاده قرار داده و بر اساس آن، تحقیقات و پروژه‌های بزرگی را پایه‌گذاری کرد. فایده دیگر آن، آسان نمودن تحقیقات پژوهشگران می‌باشد که دستیابی به آن را سهل و راه را برای آنان هموار نموده است.

۵-۲-۱. قوّت روایات راوی

برخی از عبارات نجاشی در کتاب فهرست، بر قوّت روایات یک راوی دلالت داشته و پس از آن، راوی مورد توثیق قرار گرفته است؛ گویا اینکه نجاشی بر اساس روایات وی و ملاحظه قرائنی دیگر، حکم به وثاقت راوی نموده است. تعبیرات زیر از این قرار است:

ترجمه	عبارت	ردیف
احادیث صحیح و سالم از آسیب‌هاست. ^۹	صحيح الحديث (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱ و ۴۰ و ۷۴ و ۱۰۶ و ۱۲۱ و ۲۰۴ و ۲۴۵ و ۲۶۳ و ۳۳۰ و ۳۷۳ و ۴۲۱ و ۴۲۷ و ۴۴۴)	۱
	صحيح الرواية (همان، ۹۲ و ۲۵۹ و ۲۷۰ و ۳۹۴ و ۳۹۷)	۲
احادیث او یا روایات او روشن است (خالی از فساد است).	واضح الحديث (همان، ۴۰۵)	۳
	واضح الرواية (همان، ۳۸۸ و ۳۹۶)	۴

۵	صحیح الحکایات (همان، ۲۸۷)	حکایات او صحیح است.
۶	جید الحدیث (همان، ۱۸۶)	احادیث خوب و صحیح است.
۷	نقیّ الحدیث (همان، ۲۸۷ و ۳۴۵)	احادیث او پاکیزه و بدون فساد و سالم است و منکرات ندارد.
۸	سلیم الجنبه (همان، ۲۱۹)	احادیث یا طرق احادیث سالم است.
۹	مسکون إلى روايته (همان، ۲۱۷ و ۳۳۴ و ۳۹۴)	روایاتش باعث سکون نفس می شود.
۱۰	مسکون إليه (همان، ۳۸۳)	
۱۱	حدیثه قریب من السلامة (همان، ۳۸۴)	حدیثش به سلامت نزدیک است.
۱۲	ما رأینا رواية تدلّ علی هذا (همان، ۳۸)	ما روایتی که دالّ بر این مطلب باشد، ندیدیم.

۵-۲-۲. ضعف روایات راوی

برخی از عبارات نجاشی بر بررسی متن و محتوای روایات یک راوی دلالت داشته و با توجه به ضعف احادیثش، مورد تضعیف قرار گرفته و حکم به ضعف او شده است. مهم ترین آن عبارات به قرار زیر است:

ترجمه	عبارت	تفسیر
احادیث او فاسد است.	فاسد الحدیث (همان، ۳۶۸)	۱
احادیثش خالی از فساد نیست.	حدیثه لیس بذلک النقیّ (همان، ۸۸)	۲
بعضی احادیثش معروف و بعضی منکر است. ^{۱۱}	حدیثه یعرف و ینکر (همان، ۷۷)	۳
احادیث او مضطرب است. ^{۱۱}	مضطرب (همان، ۳۴۱ و ۴۶۱)	۴
	مضطرب الحدیث (همان، ۲۶۲ و ۴۱۸)	۵
	مضطرب الألفاظ (همان، ۶۰)	۶
	مضطرب الروایة (همان، ۴۱۶)	۷
احادیث صحیح و فاسد را مخلوط کرده است. ^{۱۲}	قلیل التخلیط (همان، ۳۹۶)	۸





۹	مختلط الأمر فی حدیثه (همان، ۱۷۲)	
۱۰	مخلط (همان، ۲۸۴ و ۳۲۹)	
۱۱	ضعیف الحدیث (همان، ۸۰)	احادیث ضعیف است.
۱۲	فی حدیثه بعض الشیء (همان، ۲۸۴)	در احادیث او بعضی از اشکالات وجود دارد.
۱۳	یتساهل فی الحدیث (همان، ۳۷۳)	در حدیث، سهل انگار است.
۱۴	لا یکتب حدیثه، رأیت له شعراً یحلل فیهِ محرّمات الله (همان، ۹۲)	احادیثش نوشته نمی شود و شعری از او دیدم که در آن محرّمات الهی را حلال کرده است.
۱۵	قلّ ما روی الحدیث إلّا شاذّاً (همان، ۳۱۰)	بیشتر احادیثش شاذّ است.
۱۶	مجفوّ الروایة (همان، ۸۰)	به روایاتش عمل نمی شود و از آن اعراض می شود.
۱۷	قلّ ما رأیت له حدیثاً سدیداً (همان، ۵۶)	کمتر حدیث محکم و متقنی از او دیدم.

۵-۲-۳. قوت نگاشته های راوی

در این بررسی گاهی نجاشی تشخیص داده است که کتاب راوی، معتبر بوده یا دارای فوائد است و یا مشتمل بر احادیث صحیح و حسن است. عبارات زیر بر چنین تشخیصی دلالت می کند:

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	کثیر الفوائد (همان، ۴۰)	کتابش مشتمل بر فواید و منافع زیادی است.
۲	کثیر الفوائد و المنافع (همان، ۳۹)	
۳	له کتاب حسن کثیر الفوائد (همان، ۳۷ و ۳۹ و ۹۳ و ۲۳۲)	
۴	له کتاب التجمل و المروءة حسنٌ صحیح الحدیث (همان، ۲۰۴)	او کتابی به نام التجمل و المروءة دارد که کتاب نیکویی است و احادیث صحیحی دارد.

۵-۲-۴. ضعف نگاشته های راوی

گاهی بررسی ها، نجاشی را به اینجا می رساند که کتاب راوی، ضعیف است. ضعیف بودن کتاب راوی، نه به معنای ضعیف بودن راویان آن، بلکه به معنای ضعیف بودن محتوای آن است؛

به طوری که احادیث آن کتاب مورد پذیرش نبوده و دارای فساد است. این، همان نقد محتوایی منقولات راویان است که در ارزیابی خود راوی، تأثیرگذار بوده است. نجاشی این برداشت را با عبارات زیر بیان کرده است:

ردیف	عبارت	ترجمه
۱	صَنَّفَ كُتُباً كَثِيرَةً أَكْثَرُهَا عَلَى الْفَسَادِ (همان، ۲۶۵)	کتب بسیاری نوشته که بسیاری از آنها فاسد است.
۲	له كتاب «إنا أنزلناه في ليلة القدر» و هو كتاب ردی الحديث مضطرب الألفاظ (همان، ۶۰)	او کتابی به نام «إنا أنزلناه في ليلة القدر» دارد که احادیث غلط و الفاظ مضطربی دارد.
۳	إن هذا الكتاب كتاب ملعون في تخليط عظيم (همان، ۲۶۷)	این کتاب، کتاب ملعونی است و پر از تخلیط است. ^{۱۳}
۴	كلّ كتبه تخلیط (همان، ۴۴۸)	تمام کتاب‌هایش تخلیط است.
۵	أخبرنا... إلّا ما كان من غلو و تخلیط (همان، ۸۰)	از کتابش به ما خبر داده‌اند، مگر قسمت‌هایی از کتابش که دارای غلو و تخلیط بوده است.
۶	كتبه صحاح إلّا كتاباً ينسب إليه ترجمته تفسير الباطن فإنه مخلط (همان، ۳۲۹)	کتب او صحیح است، به جز کتابی که به او نسبت داده شده و درباره تفسیر باطن نوشته شده که در آن، احادیث صحیح و فاسد خلط شده است.

این عبارات، با توجه به معانی اصطلاحی آنها، به‌وضوح بر این مطلب دلالت می‌کند که نجاشی، روایات و کتب راویان را بررسی نموده و احادیث و نگاشته‌های ایشان را اعتبارسنجی متنی و محتوایی کرده است و نتیجه این بررسی را که می‌تواند خبری یا اجتهادی باشد، در کتاب خویش گزارش نموده است. در واقع می‌توان گفت که توثیق و تضعیف راوی بر اساس روایات وی، یکی از راه‌های اجتهاد در رجال به‌شمار می‌آمده است که نجاشی نیز از آن بهره گرفته و تعداد قابل توجهی از راویان را بر همین اساس، مورد ارزیابی و توثیق و تضعیف قرار داده است که الفاظ و عبارات به‌کار برده شده، بر همین امر دلالت می‌کند.





نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بسیار حدیث و ورود انواع آسیب‌ها بر آن و همچنین سیره عقلا و اصحاب ائمه علیهم‌السلام و علمای بعد از ایشان، نقد روایات، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برای نقد روایات نیز دو روش کلی وجود دارد که عبارت است از مسلک وثوق به سند و وثوق به صدور، که در مسلک وثوق به صدور، حدیث از منظر متن و محتوا جایگاه ویژه‌ای دارد و لازم است حدیث بررسی و با معیارهایی همچون قرآن، سنت، ضروریات دین و مذهب، عقل، قطعیات حاصل از حس و تجربه و تاریخ، اضطراب، غرابت، رکاکت و... سنجیده شود.

با مطالعه دقیق کتاب فهرست نجاشی و بررسی عبارات بیان‌شده ذیل راویان، ثابت می‌شود که یکی از راه‌های توثیق و تضعیف راویان توسط نجاشی، نقد متنی و محتوایی روایات آنان بوده و ایشان با بررسی منقولات یک راوی، وی را جرح و تعدیل نموده است. در واقع نجاشی در اعتبارسنجی راویان، اعتبارسنجی روایات را هم ملاک ارزیابی قرار داده است. این یعنی همان اجتهاد در دانش رجال که علما بر آن پایبند بوده و بر اساس آن عمل نموده‌اند و سیره عملی رجالیان در استفاده از این راه، دلیل بسته نبودن باب اجتهاد در دانش رجال می‌باشد. بنابراین یکی از راه‌های جرح و تعدیل راویان و صحت و ضعف احادیث، نقد متنی و محتوایی آنها می‌باشد و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب و دانشمندان رجالی نیز همین بوده است.

بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود در زمینه روش‌شناسی نقد متنی و محتوایی روایات راویان در اصول اولیه رجالی، تحلیل لوازم نقد متنی و محتوایی روایات در کتب رجالی متأخر، و همچنین بررسی نقد متنی و محتوایی روایات راویان در سیره فقها، پژوهش‌های مستقل و جامعی انجام گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱- مانند مراجعه به کتب رجالی‌ای که در دست داشته و انتساب آن به نویسندگان ثابت بوده است، سماع و نقل چهره به چهره از اساتید، اعتماد به شهرت و استفاضه‌ای که در میان اصحاب موجود بوده است. (سبحانی، ۱۴۱۴: ۴۲-۴۵)

۲- علی اکبر خدامیان آرانی، دوفصلنامه حدیث حوزه، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۱۰.

۳- رحیمه شمشیری و مهدی جلالی، فصلنامه علوم حدیث، تابستان ۱۳۸۵، ش ۴۰.

۴- رحیمه شمشیری و مهدی جلالی، دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۸۳.

۵- محسن قاسم‌پور، دوفصلنامه حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش ۹.

۶- برای بررسی تقیه و موارد و نمونه‌های آن به کتاب «نقش تقیه در استنباط احکام شرعی، تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی» مراجعه شود.

۷- «ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴). این سخن تنها در مورد آیات قرآن نیست، بلکه به قرینه آیات پیش از آن، سنت پیامبر را نیز شامل می‌شود که آن هم بر طبق وحی الهی است؛ چرا که این آیه با صراحت می‌گوید: او از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و هر چه می‌گوید، وحی است. حدیث جالب زیر یکی از شواهد این مدعاست: روزی رسول خدا ﷺ دستور دادند تمام درهای خانه‌هایی که به داخل مسجد پیامبر ﷺ گشوده می‌شد (جز در خانه امام علی علیه السلام) بسته شود. این امر بر مسلمانان گران آمد، تا آنجا که حمزه عموی پیامبر از این کار گله کرد که چگونه در خانه عمویت و ابوبکر و عمر و عباس را بستی، اما در خانه پسر عمویت را باز گذاردی و او را بر دیگران ترجیح دادی؟ هنگامی که پیامبر متوجه شد که این امر بر آنها گران آمده است، مردم را به مسجد دعوت فرمود و خطبه بی‌نظیری در تمجید و توحید خداوند ایراد کرد، سپس افزود: ای مردم! من شخصاً درها را نیستم و نگشودم و من شما را از مسجد بیرون نکردم، و علی را ساکن نمودم [آنچه بود وحی الهی و فرمان خدا بود]. سپس آن آیات را تلاوت کردند. (ابن حنبل، بی‌تا: ۲/۲۶؛ عسقلانی، بی‌تا: ۱۲/۷؛ سیوطی، بی‌تا: ۱۲۲/۶)

۸- البته اثبات این مطلب با توجه به فاصله زمانی بین راویان و رجالیان (شیخ طوسی، نجاشی، ابن غضائری و...) بسیار سخت است و صاحب‌نظران و محققان نیز در این مطلب تشکیک کرده و آن را نپذیرفته‌اند، ولی چون محل بحث این نوشتار نیست، به آن پرداخته نمی‌شود.

۹- نظر به اینکه هدف نوشتار حاضر، اثبات نقش نقد متنی و محتوایی در توثیق و تضعیف راویان است، از این‌رو از تدقیق در ترجمه این عبارات و بیان تفاوت‌های احتمالی آن خودداری می‌شود.

۱۰- برای مفهوم‌شناسی دقیق واژه «معروف و منکر» در کتب رجالی، مراجعه شود به: قربان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۰.





- ۱۱- برای اطلاع از معنای دقیق واژه «اضطراب» و مشتقات آن در کتب رجال، مراجعه شود به: اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱؛ صدر، بی تا: ۴۳۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۰۸: ۱۴۷ و ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۰۱: ۱۱۲؛ میرداماد، ۱۳۸۰: ۲۷۴؛ مامقانی، ۱۳۸۵: ۲۸۶/۱.
- ۱۲- برای اطلاع از معنای دقیق واژه «تخلیط» و مشتقات آن در کتب رجال، مراجعه شود به: اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱؛ کلباسی، ۱۴۱۹: ۲۸۵/۲؛ مامقانی، ۱۳۸۵: ۴۵/۲.
- ۱۳- احادیث صحیح و فاسد را با هم خلط نموده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.

۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذريعة إلى تصانيف الشريعة*، بیروت: دار الأضواء.

۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. ابن حنبل، احمد (بی تا)، *مسند احمد*، بیروت: دار الصادر.

۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۶. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دارالفکر.

۷. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن (۱۴۱۵ق)، *عدة الرجال*، تحقیق: الهدایة لإحياء التراث، قم: اسماعیلیان.

۸. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۱۹ق)، *الشهاب الثاقب فی بیان معنی الناصب*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: امیر.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دارالفکر.

۱۰. بهایی، بهاء الدین محمد بن حسین (بی تا)، *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*، قم: مکتبة بصیرتی.

۱۱. جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *معجم مصطلحات الرجال و الدراریة*، قم: دارالحديث.

۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسية*، تصحیح: سید مهدی لازوردی و شیخ محمد درودی، قم: المطبعة العلمية.

۱۳. حسینی، محمد (۱۴۱۵ق)، *معجم المصطلحات الاصولية*، بیروت: مؤسسة العارف.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ش)، *ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: گروه حدیث بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.





۱۵. خدامیان آرانی، مهدی (۱۳۸۶ش)، *آداب أمير المؤمنين علیه السلام المشهور بحديث الأربعة*، قم: دارالحديث.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۵ق)، *البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الزهراء علیه السلام.
۱۷. _____ (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، بی جا: بی نا.
۱۸. _____ (۱۴۱۷ق)، *مصباح الأصول*، تقریر: سید محمد سرور حسینی بهسودی، قم: مكتبة الداوری.
۱۹. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۹ش)، *آشنایی با کتب رجالی شیعه*، تهران: سمت.
۲۰. رحمان ستایش، محمدکاظم؛ جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، *بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه*، قم: دارالحديث.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، *کلیات فی علم الرجال*، قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۲. _____ (۱۴۱۹ق)، *الحديث النبوی بین الرواية و الدراية*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۳. سیدشیری، سید محمدجواد، مصطفی فناعتگر (۱۳۹۸ش)، «اعتبارسنجی محتوایی شماری از گزاره‌های کتاب توحید مفضل با رویکرد عرضه بر روایات شیعی»، *مطالعات اعتبارسنجی حدیث*، مشهد: دوره اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۸۵-۱۱۰.
۲۴. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دار المعرفة.
۲۵. صدر، سید حسن (بی تا)، *نهاية الدراية*، تحقیق: ماجد الغرابوی، قم: مشعر.
۲۶. طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰ش)، *منطق فهم حدیث*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۶ش)، *العدة فی اصول الفقه*، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم: ستاره.
۲۹. _____ (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۳۰. _____ (۱۴۲۰ق)، فهرست كتب الشيعة وأصولهم واسماء المصنفين واصحاب الأصول، قم: مكتبة محقق الطباطبائي.

۳۱. عاملی، حسین بن عبدالصمد (۱۴۰۱ق)، وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، تحقيق: سيد عبداللطيف كوهكمري، بی جا: مجمع ذخائر اسلامية.

۳۲. عاملی، سيد جعفر مرتضى (۱۳۸۵ش)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم: دارالحديث.

۳۳. عاملی جبعی (شهيد ثانى)، زين الدين (۱۴۰۸ق)، الرعاية فى علم الدراية، قم: مكتبة آية الله مرعشى نجفى.

۳۴. عسقلانى، شهاب الدين ابن حجر (بى تا)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت: دار المعرفة.

۳۵. عياشى، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسير العياشى، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران: المطبعة العلمية.

۳۶. فيض كاشانى، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، الوافى، اصفهان: كتابخانه اميرالمؤمنين عليه السلام.

۳۷. قیومى، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، قم: دارالهجرة.

۳۸. قربانزاده، محمد (۱۳۹۰ش)، نکاتى از علم رجال (ترجمه و تحقيق مقدمه تنقيح المقال)، قم: بوستان کتاب.

۳۹. كشى، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، إختيار معرفة الرجال (رجال الكشى)، اختيار: محمد بن حسن طوسى، تحقيق: حسن مصطفى، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۴۰. كلباسى، ابوالهدى (۱۴۱۹ق)، سماء المقال فى علم الرجال، تحقيق: سيد محمد حسینی قزوینی، قم: مؤسسه ولى عصر دراسات اسلامية.

۴۱. كلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافى، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۴۲. مامقانى، عبدالله (۱۳۸۵ش)، مقباس الهداية فى علم الدراية، قم: دليل ما.

۴۳. _____ (۱۴۳۱ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، تحقيق: محى الدين مامقانى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.



۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. _____ (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الاسلامیة.
۴۶. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق)، لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، ترجمه قرآن مجید، قم: دارالقرآن الکریم.
۴۸. میرداماد، محمدباقر بن محمد (۱۳۸۰ش)، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، تحقیق: غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت الله جلیلی، قم: دارالحديث.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. نصیری، علی (۱۳۹۰ش)، روش شناسی نقد احادیث، قم: معارف وحی و خرد.
۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی‌تا)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
۵۲. هاشم هلال (۱۴۲۴ق)، معجم مصطلح الأصول، تحقیق: محمد تونجی، بیروت: دار الجلیل.